

# خبرنامه

اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران

شماره سوم - دهم اسفند ماه ۱۳۵۶

## رسانه‌ها بانگ اعتراض مردم!

تلاشهای آزاد یخواهان گرونیهای اجتماعی در گوشه و کنار کشور هر روز دستگاه استبداد را با بن بست جدیدی روی می سازد و نظام حاکم که بکلی حقانیتهای اجتماعی و سیاسی خود را از دست داده است در لابه لای پرتگاه دست به رفتارهای دیوانه واری میزند که نشان کامل سر درگمی و ناتوانی آنست.

در مدت چهل روز دوبار مردم بی سلاح زن و مرد، پیر و جوان را در شهر مقدس قم و تبریز، مهد آزادگان، برای پاسداری سلطه بیگانه و بقای خود پیه خاک و خون می کشد و در این راه یاد آور هجوم تانکها و کشتار مغولها می گردد.

تاریخ ایران در فرافز و نشیب خود، هرگز جدائی حکومت را از مردم و انحطاط اخلاقی و فرهنگی را با چنین ابعاد گسترده ای به یاد نمی آورد.

دستگاه استبداد همچون سیلی خانمان برانداز در سر اشیب سقوط می خواهد که همه بنیادهای فرهنگی و مذهبی و فضیلتهای ملی، همه و همه و ویژگیهای مردم ایران را نابود سازد و در این گیوه دار از هیچ ردالتی روگردان نیست و بی گمان لحظهای هم به خطر وحشتناک تلاشی بوم و بیری که خون هزاران سال تاریخ در آن جریان دارد و عشق هر ذره اش با بود و تار هستی ما درهم آمیخته، نمی اندیشد زیرا کسه آنچنان وابسته سلطه اجنبی است، آنچنان در میان مردم بی پایگاه است که در راه حفظ جان به لب آمد ما بشهر بستی تن در میدهد و بهر دیوار سر می کوبد.

شبیخونها، هجومها، آدم دزدیها، تجاوزهای پنهان و آشکار به زندگی و بقیه در صفحه ۲

## اتاق اصناف

### کانون بزرگ توطئه های ضد مردمی!

نظام حاکم بر ایران در بیش از بیست و چهار سال یکه تازی که با پایمال کردن همه "حقوق ملت" همراه بوده با انجام انتخابات تقلبی همواره سعی در باز نگهداشتن در مجلس سنا و شورای ملی نموده است تا ضمن حفظ ظاهر "مشروطیت" در هنگامه های ضروری برای شکل قانونی دادن به خرافاتهای خود از وجود این دو سازمان نمایشی بهره برداری کند.

از رهگذر این وسیله بزرگ است که اکنون در کشور ما درهما قانون عادی وجود دارد که با روح قانون اساسی و متمم آن بکلی ناسازگار می باشد و همچون ابزاری در تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی مردم بکار برده میشود.

یکی از این قانونهای ضد مردمی که حق آزادی کسب را بکلی از میان برده "قانون نظام صنفی" است. به موجب این قانون سازمانی به نام "اتاق اصناف" بنیاد یافته که وظیفه اصلی آن "ایجاد هم آهنگی بین اتحادیه های صنفی و راهنمایی اصناف" عنوان شده ولی با اختیارات وسیع خود در عمل به صورت کانونی

چهاردهم اسفند ماه روز درگذشت دکتر مصدق

مظهر نهضت ملی ایران است.

خاطره مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبانه

پیشوای ملت گرامی باد.

یاد آرزو زشمع مرده یاد آر

هشتم اسفند ماه سالروز مرگ

علامه دهخدا، دانشمند آزاده و

میهن پرست ایران است.

میرزا علی اکبرخان دهخدا (دخو)

فرزند خانباخان در سال ۱۲۵۸

شمسی در تهران متولد شد. او

که از خانواده های خرد مالک

قزوین برخاسته بود در کودکی علوم

قدیمی را نزد استادان زمان از

آنجمله مرحوم حاج شیخ هادی نجم

آبادی که از علمای آزاد یخواه

دوران بود آموخت و سپس در مدرسه

سه علوم سیاسی به تحصیل

پرداخت و در سال ۱۲۸۱ به

اروپا رفت و در آغاز انقلا ب

بقیه در صفحه ۳

آنچه در این شماره میخوانید

رسانه‌ها بانگ اعتراض مردم

اتاق اصناف، کانون توطئه های

ضد مردمی

یاد آر، زشمع مرده یاد آر

خبرها و تازه ها

تکثیر از طرف

سازمان برون مرزی اسفند ماه

حزب ملت ایران ۱۳۵۶

پیش بسوی همبستگی همه نیروهای ملی برای استقلال و آزادی

رستاریاد ۰۰۰ از صفحه ۱

حیثیت مردم، به راه اندازی نمایش های رستاخیزی" به کارگردانی کیف ترین عناصر خود فروخته هر يك كامل كندند و دیگری و گویای وضع حکومت از هم پاشیده و جامعه در حال انفجار است .  
فاجعه قم و به فاصله کوتاهی کشتار وحشیانه مردم دلاور تبریز و در این هر دو از خود گذشتگی و جانبازی مبارزان ، گواه این واقعیت است که شکیب مردم به بیایان رسیده و دستگاه استبداد هیچ فرصتی برای ادامه این رفتارهای ضد مردمی در پیش ندارد و دامن زدن به اینهمه نفرت و خشم و آزرده گی ، جهنمی پیاپی می سازد که امانی در آن نمی توان یافت .

در روز بیست و نهم بهمن ماه ، روز اربعین شهیدان قم ، تبریز این گوی دلبران " این شهر گلگون کفنان ، بهاری را که از راه میرسد با این امید که بارور و نوید بخش آزادی باشد با زیباترین لاله ها آن دین بست و از آن روز سراسر ایران ، از فراز خراسان تا نشیب خوزستان ، از کوه های کردستان تا دشتهای بلوچستان به عزای ملی " نشسته است و داغ ایمن عزیزان از دست رفته را بردل گرفته .  
از همه شهرها و روستاهای میهن بانگ اعتراض برخاسته .

هر روز در گوشه های تظاهرات پسر - دامنه برپا می شود و فریاد حق طلبانه مردم به گوش میرسد که ترك حكومت استبدادی و پایان دادن تجاوز به قانون اساسی و کیفر جلادان را خواستارند .

تاریخ نشان داده است هر جاملتی با چنین شور و همبستگی بیاخته آزادی و استقلال خود را باز یافته است ، چنین باد .

اتاق اصناف ۰۰۰

برای به زنجیر کشیدن یکی از آزادترین گروههای اجتماعی میهن ما در آمده و به سلامت اقتصاد کشور نیز زیانهای جبران ناپذیر وارد ساخته است .

در قانون نظام صنفی " پیش بینی شده که " اتاق اصناف " از نمایندگان اتحادیه های صنفی تشکیل می گردد و این اتحادیه ها هم باید دارای آئین نامه ویژه و هیئت رئیسه انتخابی باشند ، با اینهمه " دستگاه استبداد " که در راه خدمتگزاری به استعمار به هیچ قیدی تن در نمی دهد ، مقررات همین قانون خود ساخته را نیز نادیده گرفته و در بسیاری از شهرها از جمله در تهران " اتاق اصناف " را به صورتی در آورده که نمایندگان اتحادیه ها در آن هیچگونه نقشی ندارند .

" اتاق اصناف تهران " که اکنون سرنوشت هزاران واحد صنفی و پیشه ورو بازرگان را در دست دارد فاقد جنبه " قانونی می باشد .  
به دنبال تصویب " قانون نظام صنفی " دستگاه استبداد که می خواست اجرای آنرا گام بزرگی در راه سپردن کار مردم به خود آنها جلوه دهد با انجام انتخابات فرمایشی برای هر يك از اتحادیه های صنفی هیئت رئیسه های گوش به فرمانی تعیین کرد و با گرد آوردن نمایندگان آنها ایجاد " اتاق اصناف تهران " را اعلام نمود و یکی از خدمتگزاران بدنام خویش را که هیچگونه سابقه ای هم در کارهای صنفی نداشت به ریاست آن انتخاب کرد .

ولی بعد از چندی به این ظاهر سازی هم پایان دادند و با خواستن عذر نمایندگان اتحادیه های صنفی همه " اختیار " اطاق اصناف تهران " را به رئیسی که برخلاف قانون از طرف وزیر بازرگانی وقت تعیین شده بود سپردند .

بدین ترتیب اکنون افزون بر سه سال است که همه " مقررات " قانون نظام صنفی " در شهری به بزرگی تهران نادیده انگاشته شده است .  
کار " هیئت رئیسه " های اتحادیه های صنفی پایان یافته ولی انتخابات جدید انجام نگرفته ، " اتاق اصناف تهران " زیر نظر يك افسر پیشین شهربانی که هیچگونه تخصص و شایستگی برای این کار ندارد قرار داده شده و نمایندگان اتحادیه ها دخالتی در اداره آن ندارند .  
بیشتر کارکنان " اتاق اصناف تهران " برخلاف صریح قانون از میان افسران یا کارمندان اداره های دولتی تعیین گردید مانده ، هیئت عالی نظارت هیچگاه تشکیل جلسه نمی دهد و کوچکترین بازبینی در کارهای این اتاق وجود ندارد .

" اتاق اصناف تهران " ترازنامه مالی خود را که باید ظرف چهار ماه بعد از هر سال مالی جهت رسیدگی بفرستد ، هرگز تنظیم نکرد و روشن نیست دهها میلیون درآمد این اتاق صرف چه هزینه هائی می شود ؟

همین چند هفته پیش رسانه های گروهی خبر دادند که رئیس " اتاق اصناف تهران " در يك حراج ، گردن بند مرواریدی را به قیمت چهل و پنج میلیون ریال خریداری کرد !! و دانسته نشد که این حاتم بخشی از کیسه قنوت چه کسی بوده است ؟!

اما " دستگاه استبداد " که همه سازمانهای کشوری را از انجام وظیفه خود باز داشته و نیروی آنها را وقف کوشش در راه افزایش

بقیه در صفحه ۳

ملت ایران:

خواستار به کیفر رساندن مسلمان  
و عاملان "کشتار جمعی" مردم قم  
و تبریز می باشد

یاد آر . . .

از صفحه ۱

مشروطیت به ایران بازگشت و در صف آزاد یخواهان استقلال طلب ایرانی قرار گرفت .

پس از پایگیری مشروطیت همگام با میرزا جهانگیر خان شیرازی روزنامه "صور اسرافیل" را برپا داشت و با نشر مقالات "چرند و پرند" ادب اجتماعی جدیدی را در میهن ما پایه ریزی کرد . میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل در دوران "استبداد صغیر" به دستور محمد علیشاه در باغشاه تهران به قتل رسید .

دهخدا تا آخر عمر نخستین یار شهید خود را فراموش نکرد و همیشه آن "شمع مرده" را به یاد می آورد و رثائیهای به "پیشگاه آن روح اقدس اعلی" هدیه کرده است .

دهخدا برای بار دوم عازم اروپا شد و پس از خلع محمد علیشاه به ایران بازگشت و از طرف مردم کرمان به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در همین زمانها مصدق جوان را شناخت و با وی هم عقیده درآمد و تا آخرین روزهای زندگی به او و راه او وفادار باقی ماند و بابت این انتخاب پر بها آزارهای فراوان دید .

میرزا علی اکبر خان دهخدا در ادب پارسی و متن های تاریخی و اجتماعی و ادبی و فلکلوریک میهن خود از صاحب نظران زمان بشمار میرود و لغت نامه که از بزرگترین و پراح ترین کارهای ادبی چند قرن اخیر است به همت و پشتکاری او بنیاد یافت و انتشار آن هنوز هم ادامه دارد .

دهخدا در هشتم اسفند ماه ۱۳۳۴ شمسی در گذشت و حکومت کودتا در آن روزهای پر از اختناق اجازه تجلیل لازم از او را نداد .

دهخدا از بزرگ ادیبان دانشمندی است که دانش و بینش خود را فروخت و "گوهری در لفظ دری" را در پیای خوکان نریخت ، با زور و قلدری جنگید و هیچگاه از نظام استبدادی که بیگانه بر ایران حاکم ساخته بود ستایش نکرد .

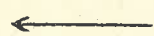
اتاق اصناف . . .

اختناق کرده است از "اتاق اصناف تهران" که سرپای آن در تبااهی فرو رفته و در شکل کنونی بهیچوجه اساس قانونی ندارد نیز همچون حرفهای برای سرکوبی آزاد یخواهان و استقلال طلبان استفاد میکند . ماموران این اتاق هر روز به گوشه های از شهر هجوم میبرند و زیر نام جلوگیری از تخلف از نظام صنفی دست به تجاوزهای آشکار به حقوق مردم می زنند و بخصوص امنیت شغلی را از پیشهوران و بازرگانان بکلی سلب کرده اند .

برگه های فراوانی در دست است که نشان میدهد این داعیداران مبارزه با گرانفروشی با بند و بست با کارخانه داران بزرگ و وارد کنندگان عمده ، با گرفتن رشوه های کلان ، با کمک به رواج قاچاق ، خود از بزرگترین عاملهای افزایش قیمت نیازمندیهای عمومی هستند .

نزدیک به چهل روز از بستن حجره ها و مغازه های پانزده تن از بازاریان شرافتمند تهران که برای "تعطیل عمومی" بازار در روز بیست و نهم دیماه کوشش کرده بودند می گذرد ولی "اتاق اصناف" آنچنان بدنام و آبرو باخته است که این مردان مبارز ترک کار و زیانهای روز افزون را به خود هموار کرده اند تا به این سازمان کثیف پلیسی مراجعهای ننمایند .

تاکنون از قانون شکنی های "اتاق اصناف تهران" و ماموران خطاکار آن دهها شکایت به مرجعهای صلاحیت دار اداری و قضائی شده ولی هنوز کوچکترین نتیجه ای از این داد خواهی ها بدست نیامده است . اما بی شک صبر مردم بخصوص پیشهوران و بازرگانان شرافتمند را در برابر اینهمه زورگویی پایانی است و بسیاری بر این عقیده اند که ادامه کسب در چنین محیطی غیر ممکن می باشد و چاره های جز اعتراض جمعی همه صنفی ها برای برچیدن بساط این کانون توطئه های ضد مردمی باقی نمانده است .



مردانه زیست و مردانه رفت و به کاروان مردانی پیوست که سازنده فرهنگ ایرانزمین بودند و تلاشهایشان حیات ملی مردم وطن ما را قوام و دوام بخشیده است .

دستگاه استبداد هر چند برای تطهیر و توجیه خود به دروغ از او یاد کند بر "دامن کبریائی" رادمرد بزرگ زمانه ما گردی نخواهد نشست . یادش گرامی باد .

برای بازشناسی این چهره درخشان تاریخ ایران در این زمانه فضیلت سوزگانی است چند بیت از شعر معروف "آزادی" او نقل شود :

ای مردم آزاده کجائید کجائید

آزادگی افسرد بیائید بیائید

دهخدا از بزرگ ادیبان دانشمندی در قصه و تاریخ جو آزاده بخوانید

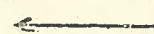
مقصود از آزاده شمائید ، شمائید

این روبهکان تا طمع از ملک بدارند

یکبار دگر پنجه شیرین بنمائید

منهید ز کف ناچرخ و شمشیر و نه زوبین

در حرب و دفاعید نه در صلح و صفائید



## خبرها و تازه‌ها

## توطئه ضد دانشجویان

شورای دانشگاه تهران که همبسته است دست "ساواک" عمل میکند هر روز تصمیم تازه‌ای برای سرکوبی دانشجویان مبارز اتخاذ می‌نماید و در کثرت معتمدی رئیس دانشگاه در این زمینه بیش از دیگران حسرات نشان می‌دهد و می‌گوید این مرکز بزرگ آموزشی را که پرورش دهنده راستین جوانان آزاد بخواه و استقلال طلب بود است به صورت قبرستان خاموشی درآورد. طبق بخشنامه‌ای به همه دانشکده‌ها دستور داده شده است:

۱- به دانشجویانی که امتحان ندادند نمره "ه" داده شود.  
۲- هیچ دانشجویی نمی‌تواند بیش از ۱۳ واحد در یک ترم بگیرد.  
در صورت اجرای این دو دستور غلط بیشتر دانشجویان اخراج می‌شوند و نمی‌توانند به تحصیل خود ادامه دهند.

از این گذشته دستور قطع مبلغ ناچیز کم هزینه دانشجویان که اغلب از خانواده‌های کم درآمد شهرستانی می‌باشند داده شده است.

با توجه به هزینه سرسام آور مسکن و غذا در تهران قطع این کم هزینه‌های تحصیلی می‌تواند بسیاری درد سر آفرین باشد. با این همه دستگاه استبداد باید بداند که دانشجویان آرمانخواه در برابر همه این دشواریها ایستادگی می‌نمایند و تسلیم خواسته‌های ضد ملی گردانندگان دانشگاه نخواهند شد.

## موج اعتراض دانشجویان

با اعلام هفت روز تعطیل به نشان اعتراض به "کشتار جمعی" مردم دلاور تبریز یکبار دیگر دانشجویان دانشگاه تهران پیشگامی خود را در مبارزات ملی آشکار ساختند.

تلاش دستگاه استبداد که بصورت بازداشت عدای از آنها از جمله سرتن از دانشجویان دانشکده حقوق نمایان شد کوچکترین اثری در اجرای این تصمیم نگذاشت.

دانشجویان مبارز و میهن پرست دانشگاه ملی تهران روز دوشنبه دوم اسفند ماه برای بزرگداشت خاطره شهیدان تبریز از رفتن به کلاس درس خودداری نمودند.

پلیس گارد پس از آگاهی از تصمیم دانشجویان به مقابله با آنها پرداخت و چون تهدید و حتی استناد از باطون نتوانست دانشجویان را روانه کلاسها سازد نیروهای زانداروری و شهرپایی با دردست داشتن هفت تیر و حتی مسلسل در صحنه ظاهر شدند.

دانشجویان که تجربه تلخ "کشتار جمعی" هموطنان بی دفاع خود را در فاجعه قم و تبریز بخاطر داشتند پراکنده شدند و گروهی به سوی خیابان بسیان و عدای به جانب ده روانه شدند. در این درگیری تعداد زیادی از دانشجویان، چندین تن از استادان از آن جمله رئیس تربیت بدنی دانشگاه و حتی تنی چند از کارکنانی که کار می‌کردند بسختی زخمی شدند کهندمای از آنها در بیمارستان بستری گردیدند.

علیرغم این هجوم وحشیانه دانشجویان دانشگاه ملی تصمیم به یک هفته تعطیل کلاسهای درس گرفته و با دادن اعلامیه‌های مردم را در جریان مبارزات خود گذاردند.

— عصر روز جمعه بیست و هشتم بهمن ماه بمناسبت شب چهارم شهادت مردم حق طلب قم "دانشجویان دانشگاه آریامهر اهلبان در محوطه بیرون خوابگاهها گرد آمدند و با دادن شعارهایی در نهایت نظم بیان این مبارزان بخون خفته را گرامی داشتند.

روز شنبه بیست و نهم بهمن ماه دانشجویان این دانشگاه کلیه کلاسهای درس را تعطیل نمودند و در ساعت یک بعد از نیمه شب همین روز پس از اطلاع از "کشتار جمعی" مردم سلحشور تبریز اجتماع دیگری برپا کردند و طی آن ضمن بزرگداشت شهیدان تصمیم گرفتند که که بعد از یک هفته از حضور در کلاسهای درس خودداری کنند.

خبر رسیده نشان میدهد که این دانشگاه تا بامداد روز دوشنبه هفتم اسفند ماه تعطیل بوده است.

— روز دوشنبه اول اسفند ماه دانشجویان مبارز دانشگاه صنعتی آریامهر تهران به عنوان اعتراض به "کشتار جمعی" مردم قهرمان تبریز از حضور در جلسه امتحانات نیمسال اول تحصیلی خودداری کردند و تهدید گردانندگان این مرکز آموزشی به اخراج و محرومیت همیشگی از تحصیل هیچ اثری در تصمیم دانشجویان ننمود.

— دانشجویان دانشکده پلی تکنیک تهران روز یکشنبه سوم بهمن ماه به احترام شهدای شهر قهرمان تبریز دو دقیقه سکوت نمودند و روز دوشنبه اول اسفند ماه برای تجلیل از قیام مردم تبریز در نهار خوری دانشکده گرد آمدند و تصمیم به یک هفته تعطیل کلاسهای درس گرفتند.

بقیه در صفحه ۵

ملت ایران میخواهد: همه زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی آزاد شوند

بقیه خبرها . . .

آمد در تمام این موارد مردم آذربایجان قیام کردند ، اساس مشروطیت با مردانگی و قیام آنان پا برجا شد ، و سپس فرمودند " نفت که منبع مهم درآمد مملکت است آنرا به خارج میدهند به قیمت بخس و در عوض اسلحه میخرند آنها اسلحه‌هاییکه مانده است در آنجا و بسدر نمیخورد ، لابد حساب می‌کنند که این اسلحه باید یک جا مصرف شود حالا که در خارج مملکت نیست اقلا اهالی مملکت را با آن بکشند و بهرحال آنچه هست این کارها به ضمیمه تبعید یک‌عده مفاخر حوزه - آنهاست که تبعید کردند هر کدام موقعیت خاصی در حوزه دارند و مورد افتخار ما هستند - یک‌عده بازاریبهای متدین را تبعید کردند ، یک‌عده بازاریبهای تهران را دکانهایشان را تعطیل کردند تمام اینها یا برای اینستکه مملکت در حال ورشکستگی است و فکر می‌کنند مردم را منصرف کنند از این افکار که دیگر در فکر مملکت نباشند یا واقعا حساب می‌کنند ، حالا که ما رفتنی هستیم اقلا ملت را هم نابود کنیم " .

در روز چهارشنبه چهارم اسفند ماه مجلس ختم با شکوهی با شرکت هزاران تن در حضور تمام مراجع عظام تقلید در شهر مقدس قم در مسجد اعظم برپا شد که در آن حجت الاسلام آقای گل‌سرخ سخنانی پرشوری ایراد کردند و متن نامه‌ی علمای تبریز را که ضمن آن نظر خود را راجع به فاجعه خونین روز بیست و نهم بهمن ماه اعلام داشته بودند قرائت نمودند .

در روز شنبه ششم اسفند ماه که برابر با میلاد حضرت رسول اکرم (ص) و ولادت حضرت امام جعفر صادق (ع) بود مراجع بزرگ تقلید بر خلاف سنت و به دلیل تاثیر فراوان از کشتار مردم تبریز و به نشان عزاداری ازین یزوتن مردم خودداری کردند ولی در بعد از ظهر همین روز در منزل حضرت آیت الله العظمی روحانی مجلس ختمی با حضور چند هزار نفر برگزار شد که طی آن حجت الاسلام آقای کلانتری پیرامون " کشتار جمعی " مردم دلاور تبریز و هدفهای " جامعه روحانیت " سخن گفتند . در تمام این روزها مردم آزرده و خشمگین قم پس از سرگزاری نماز جماعت در مسجد اعظم دست به تظاهراتی می‌زدند که به خیابانها هم کشیده می‌شد و ضمن آن نسبت به " کشتار جمعی " مردم قم و تبریز اعتراض مینمودند و خواهان مجازات مسببان و عاملان این کشتار می‌شدند

در روز یکشنبه هفتم اسفند ماه در صحن مسجد اعظم گماندوهای لباس شخصی پوشیده به همراه گماندوهای ضد اغتشاش شهربانی با جویدستی و با طومر به نمازگزاران داغدار حمله کردند و در این میان از اهانت به حضرت آیت الله حائری نیز خودداری نمودند و ایشان را هم مضروب ساختند ، این حمله و وحشیانه در حالی انجام شد که درهای مسجد را از قبل بسته بودند تا مردم هیچ راه گریزی نداشته باشند . بقیه در صفحه ۶

دختران و پسران دانشجوی مدرسه عالی ریاضی و مدیریت اقتصادی کرج روز چهارشنبه سوم اسفند ماه در کمال نظم و آرامش از ساعت ۹ صبح تا یک بعد از ظهر یک تک سالن دانشکده نشستند و با دادن شعارهای " درود به روان شهیدای قم " " درود به قهرمانهای شهید تبریز " همراه با بانگ " لا اله الا الله لا شریک له " از " کشتار جمعی " موهظان خود ابراز داشتند . دانشجویان پس از بجا آوردن نماز جماعت که بسیار تکان دهنده بود سالن دانشکده را ترک گفتند .

سوگواری و اعتراض جامعه روحانیت در شهرستان

به دنبال " کشتار جمعی " مردم دلاور تبریز مراجع عظام تشیع به نشان اعتراض و عزاداری یکشنبه سوم بهمن ماه حوزه علمیه را تعطیل نمودند .

روز دوشنبه یکم اسفند ماه حضرت آیت الله شریعتمداری در حوزه علمیه به جای تدریس طی سخنرانی پرشوری فاجعه تبریز را با تاثیر بسیار که همراه با گریه شدید شنوندگان بود تشریح و در قسمتی از سخنان خود فرمودند " مطالب ما منطقی است و احتیاج به هیاهو ندارد ، احتیاج به هرج و مرج ندارد . اگر قبول میکنید حکم مرا ، حکم میکنم متانت را حفظ کنید . کمک ما باشید ، پشتیبان ما باشید ، بدانید که کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم آن کاری است که عقلا تشخیص می‌دهند و رضای خدا را در آن ملاحظه می‌کنیم .

و در جای دیگر می‌فرمایند : " خداوند میگوید " جهاد مانند نماز است " و سپس فرمودند " کارهای اجتماعی باید به اتفاق و اتحاد باشد نه فردی ، اگر کاری می‌خواهید به نتیجه برسد باید کار دسته جمعی باشد " و در مورد جعل اعلامیه‌ای به نام ایشان که در روزنامه‌ها هم درج شده بود فرمودند : " یک چیزی از قول ما در روزنامه نوشته است که گویا ماتلگراف کردیم به تبریز و در آنجا یک مطالبی از آن تلگراف ما نقل کرده .

خواستم عرض کنم که اینهم باز از آن دروغهای روزنامه‌هاست که این را به این شکل جعل کرده و به اصطلاح از کاهی کوهی درست کردند . اول تلگراف نبود ، صحبت تلفنی با بعضی از علمای آنجا بوده روز دوم نبوده روز قبل بوده است و مطالبی که آنجا نوشته عموماً دروغ است . حضرت آیت الله روحانی نیز به جای درس درباره " کشتار جمعی " مردم غیور تبریز سخنانی و در قسمتی از آن فرمودند : " در آذربایجان مهد مردان آزاده ،

مهد مردان غیور و مسلمان و متدین ، مرکز مردانی که در تمام مراحل ، در تمام مبارزات پیشقدم بودند و بیشتر این استقلال مملکت ما و یا آن قضیه پیشه‌وری که پیش

بقیه خبرها...

شکست اقتضاح آمیسنز

خبرهای رسیده نشان می دهد که دستگاه استبداد در صدد برپایی تظاهرات رسوای تازمائی برای روز سه شنبه دوم اسفندماه در شهر مقدس قم این پایگاه بزرگ مبارزات ملی بوده است تا یکبار دیگر با فشار و تهدید از وجود کارگران و کارمندان وابسته به سازمانهای دولتی برای دگرگون جلوه دادن واقعیت ها استفاده نماید. ولی کارگران شرافتمند شرکت ملی نفت و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و کارخانه دخیانیات زیر بار حضور در این "خیمه شب بازی" نرفتند و کوشش دامنه دار - گماشتگان ساواک با شکست اقتضاح آمیز روبرو شد.

ادامه جنبش اعتراضی در تبریز قهرمان

روز یکشنبه سوم بهمن ماه تبریز این شهر دلاوران با وجود اشغال نظامی برپشتهای از شهیدان و درمیان انبوه زخمی ها همچنان می خروشیید.

بر سر هر چهار راهی چند تانک ایستاده بود و سربازان گروها گروه در همه خیابانها حتی کوچه ها گشت می زدند و گماشتگان ساواک و کماندوهای پلیس که روز قبل پا به فرار گذارده بودند همه جا جولان میدادند و با وضعی خشونت آمیز به خانه های مردم هجوم می بردند و مبارزان را بازداشت می کردند.

روزهای یکشنبه و دوشنبه سراسر شهر تعطیل بود و مردم داغدار همچنان دلیرانه به تظاهرات و اعتراض ادامه میدادند تا سرانجام در روز سه شنبه دوم بهمن ماه به خواهش "جامعه روحانیت" و علمای تبریز که از احترام بسزائی برخوردار هستند، شهر آرامش نسبی یافت و مغازه ها و بناهای خصوصی بتدریج باز شد.

با اینهمه گاه و بیگاه در گوشه و کنار شهر تظاهراتی بچشم می خورد و در بسیاری از مسجد ها و خانه ها ائین های سوگواری برای شهیدان برگزار میگردد. دانشگاه آذربایجان که در برپایی جنبش بیست و نهم بهمن ماه نقش برجستهای داشت پس از کشتار خونین مردم به حالت تعطیل عمومی درآمد و هنوز دانشجویان از رفتن به کلاسهای درس خودداری می کنند.

همدردی روحانیون تهران

روحانیون تهران طی دو نامه یکی خطاب به "حضرات آیات و حجج اسلام و علمای اعلام تبریز" با امضای پنجاه و دو تن از دانشمندان و گویندگان حق طلب روحانی و دیگری به عنوان محضر مقدس آیات عظام و مراجع عالیقدر شیعه با امضای سی و شش تن از ائمه جماعت و وعظ محترم نسبت به "کشتار جمعی" مردم

سلحشور تبریز اعتراض نمود و این مصیبت بزرگ را به زعمای عالیقدر جهان تشیع و مراجع عظام تسلیت گفتند.

نامه کمیته اجرائی

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

هفته گذشته نامهای خطاب به نخست وزیر با امضای آقایان دکتر کریم سنجابی و مهندس مهدی یازرگسان از طرف کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر نشر یافت. در این نامه با تکیه به مقررات مندرج در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اثر به اینکه "هر کس حق دارد از مواهب زندگی و امنیت شخص و برابری و تساوی حقوق شرعی و قانونی بهره مند شود و نیز از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مضمون از هر نوع تعرض باشد" به قانون شکنی های "اتاق اصناف تهران" اعتراض شده و چنین آمده است: "همانطور که استحضار دارید در روز پنجشنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۵۶ کسبه بازار به تبعیت از دستور مراجع تقلید عظام که از نظر شرعی و قانونی واجب الاطاعه میباشند، به تجویز اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی حتی بدون تشکیل و یا براه انداختن اجتماعاتی، بخاطر همدردی یا بازماندگان شهدای فاجعه ۱۹ دیماه قم در نهایت آرامش و مراعات قانون و نظم - مغازه های خود را تعطیل نموده و حتی از خانه های خود نیز خارج نشدند، ولی متأسفانه در روز شنبه مامورین انتظامی با تفاق مسئولین کمیته ویژه اتاق اصناف که اکثراً از مامورین نخست وزیری (سازمان امنیت) هستند تعداد شانزده مغازه را در ظاهر به بهانه تخلفات صنفی و در باطن به علت تبعیت و تبلیغ نظر مراجع، بدون قید مدارک تعطیل و صاحبان آنها را از حق آزادی کسب و پیشه بدون مجوز قانونی محروم نمودند."

و اضافه شده "موضوع دیگر اینکه مامورین کمیته ویژه اصناف بنام ناظر با در دست داشتن کارتی که از طرف دادستان بطور کلی و بدون تعیین مورد صادر شده و با استفاده از عنوان ضابطه دادگستری به محل کار افراد صنفی که دستور تعقیب آنها از نخست وزیری صادر می گردد، مراجعه و برخلاف قانون اقدام به بازرسی اوراق و اسناد آنها می نمایند و حتی باشکستن قفل و صندوق بدون هیچگونه صورتجلسه ای تمامی اوراق و اسناد منجمله اوراق بهادار صاحب مغازه را ضبط و به کمیته ویژه می برند."

در این نامه خواسته شده است "هر چه زودتر بسا باز کردن مغازه های آنها، رفع ظلم بشود."